گفتند: «از پروردگارت بخواه، تا بر ما روشن گرداند که آن چگونه [گاوى‌] باشد؟ زیرا [چگونگى‌] این ماده گاو بر ما مشتبه شده، و[لى با توضیحات بیشتر تو] ما ان شاء الله حتماً هدایت خواهیم شد.» (70) گفت: «وى مى‌فرماید: در حقیقت، آن ماده گاوى است که نه رام است تا زمین را شخم زند؛ و نه کشتزار را آبیارى کند؛ بى‌نقص است؛ و هیچ لکه‌اى در آن نیست.» گفتند: «اینک سخن درست آوردى.» پس آن را سر بریدند، و چیزى نمانده بود که نکنند. (71) و چون شخصى را کشتید، و در باره او با یکدیگر به ستیزه برخاستید، و حال آنکه خدا، آنچه را کتمان مى‌کردید، آشکار گردانید. (72) پس فرمودیم: «پاره‌اى از آن [گاو سر بریده را] به آن [مقتول‌] بزنید» [تا زنده شود]. این گونه خدا مردگان را زنده مى‌کند، و آیات خود را به شما مى‌نمایاند، باشد که بیندیشید. (73) سپس دلهاى شما بعد از این [واقعه‌] سخت گردید، همانند سنگ، یا سخت‌تر از آن، چرا که از برخى سنگها، جویهایى بیرون مى‌زند، و پاره‌اى از آنها مى‌شکافد و آب از آن خارج مى‌شود، و برخى از آنها از بیم خدا فرو مى‌ریزد، و خدا از آنچه مى‌کنید غافل نیست. (74) آیا طمع دارید که [اینان‌] به شما ایمان بیاورند؟ با آنکه گروهى از آنان سخنان خدا را مى‌شنیدند، سپس آن را بعد از فهمیدنش تحریف مى‌کردند، و خودشان هم مى‌دانستند. (75) و [همین یهودیان‌] چون با کسانى که ایمان آورده‌اند برخورد کنند، مى‌گویند: «ما ایمان آورده‌ایم.» و وقتى با همدیگر خلوت مى‌کنند، مى‌گویند: «چرا از آنچه خداوند بر شما گشوده است، براى آنان حکایت مى‌کنید تا آنان به [استناد] آن، پیش پروردگارتان بر ضد شما استدلال کنند؟ آیا فکر نمى‌کنید؟» (76)